

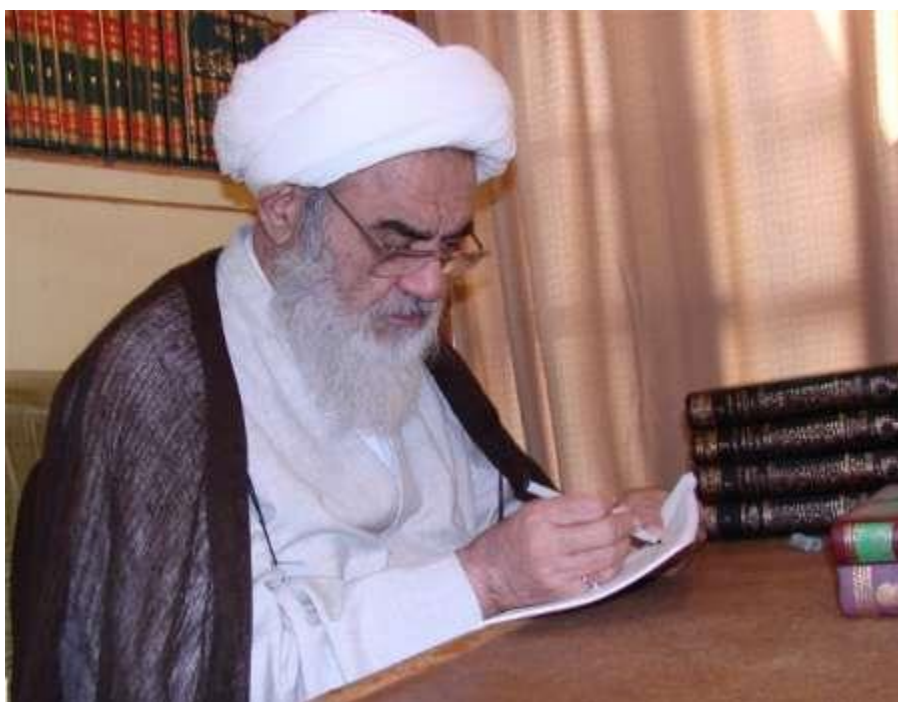
# بسم الله الرحمن الرحيم

## درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات

حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

### جلسه اول



أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام  
على خير خلقه أشرف بريته ابوالقاسم  
محمد صلى الله عليه و على آله  
الطيبين الطاهرين و على جميع الانبياء  
و المرسلين سيما بقية الله في الارضين  
و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

بحثی که در نظر گرفته شده است و  
ان شاء الله امیدوارم خدا توفیق دهد تا  
آخر ماه مبارک رمضان درباره اش صحبت  
کنم، «اخلاق از نظر قرآن و روایات  
اهل بیت» است. معلوم است که بحث  
فوق العاده ارزنده است. امیدوارم برای  
من و برای شما مفید باشد.

روایتی از پیغمبر اکرم «صلى الله عليه وآله وسلم» است که می فرمایند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» [۱]؛ من  
مبعوث شدم برای اینکه اخلاق را کامل کنم. مردم متخلق شوند به اخلاق انسانیت. این فرمایش پیغمبر اکرم را  
قرآن هم در چندین جا امضا می کند و من جمله در سوره جمعه می فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَافِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» [۲]

پیامبر آمده است که آدم بسازد و بعد از اینکه آدم ساخت، این آدم را عالم کند. ما اگر برای اهمیت اخلاق چیزی  
نداشته باشیم به جز همین آیه، بس بود که بدانیم باید به اخلاق خیلی اهمیت داد. باید فرد و خانواده و اجتماع  
متخلق باشند به اخلاق الله. همه باید به مرور زمان بتوانند درخت رذالت را از دل بکنند و درخت فضیلت به جای  
آن غرس کنند و بارور کنند و از میوه آن استفاده کنند؛ که مصداق کامل شجره طيبة قرآن، همین درخت فضیلت  
است. و تا آن درخت رذالت کنده نشود، نمی شود درخت فضیلت به جای آن غرس کرد. نمی شود آن درخت  
فضیلت را بارور کرد تا خود و دیگران از میوه آن استفاده کنیم.

قرآن یک کتاب اخلاق است، در حالی که همه چیز در قرآن هست: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٍ إِلَّا فَيْكُنَا بِمُيِّنٍ» [۳]. از نظر علوم طبیعی، قریب هزار آیه در قرآن هست اما قرآن کتاب طبیعی نیست؛ از نظر فلسفه و عرفان، قرآن پر از آیات فلسفه و عرفان است اما قرآن کتاب فلسفه و عرفان نیست. قرآن بیش از ششصد آیه راجع به قانون دارد اما کتاب قانون و فقه نیست. بالاخره قرآن همه چیز دارد اما نمی‌توان گفت قرآن آن کتاب است. اما هم از نظر قرآن و هم از نظر روایات اهل بیت می‌شود گفت که قرآن کتاب اخلاق است و یک کارخانه آدم‌سازی است. قرآن آمده آدم بسازد و آدم کسی است که صفت رذیله نظیر خودخواهی و خودبینی و غرور و تکبر و حسادت و بخل و امثال اینها نداشته باشد.

این کافی نیست، بلکه باید درخت فضائل به جای این رذائل کاشت و آن را بارور کرد و از میوه آن استفاده کرد. به این «آدم» می‌گویند. اگر ما بخواهیم آدم شویم، باید راجع به خودسازی خیلی کار کنیم. لاف در شبانه روز باید دو سه ساعت را صرف خودسازی کرد. اینکه بتوانیم فضائل داشته باشیم، بتوانیم به جای خودیت و خودگرایی، دیگرگرایی داشته باشیم. بتوانیم به جای کبر و خودخواهی، تطف و مهربانی در جامعه داشته باشیم و تواضع داشته باشیم. بتوانیم به جای بخل، دیگرگرا باشیم. بتوانیم به جای حسادت، با جامعه مهربان باشیم، مخصوصاً با خویشان. و کندن این درخت رذائل و غرس کردن درخت فضائل به جای آن، کار بسیار مشکل، اما کار بسیار لازمی است.

قرآن شریف گاهی مردم را دو دسته می‌کند. می‌فرماید آن جامعه‌ای که سلامت نفس داشته باشد، آن جامعه‌ای که صفت رذیله نداشته باشد، فردی که چنین باشد، قابل انعطاف است. به اندازه‌ای قابل انعطاف است که وقتی حق به آنها گفته می‌شود، گریه شوق می‌کنند که چه خوب شد که حق به ما رسید و چه خوب شد که ما زیر بار حق می‌رویم و آدم حق‌شناس و حق‌دانی می‌شویم. لذا می‌فرماید حال این دسته این‌گونه است:

«وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ مِنَ الرُّسُولِ تَبْتَغُونَ عِذْمًا لِلدِّمِغِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ» [۴]

وقتی حق را شنیدند گریه شوق می‌کنند. اگر قرآن باشد یا روایت باشد، زیر بار می‌روند. اینها کسانی هستند که قلب و دل پاک دارند.

قرآن دسته دیگری هم نشان می‌دهد که آدم‌های لجوج و عنود هستند و آدم‌هایی که به خاطر خودخواهی و تکبر و خودبینی خود، نه تنها زیر بار حق نمی‌روند، بلکه حاضرند نابود شوند اما زیر بار حق نروند. قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَإِذَا قَالُوا لِلَّهِمَّ تَنَاوَلْهَا هُوَ الْحَقِّمْ نَعْنِدْ كَفَّامُطْرَعَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ إِنَّا بِعَدَابِ اللَّهِ إِنَّمَا نَعْنِدْ» [۵]

عده‌ای چنین هستند و می‌گویند خدایا اگر حق است، نمی‌توانم ببینم، پس یک سنگ یا آتش یا صاعقه‌ای بیاید و مرا نابود کند. برای شان نزولش می‌گویند در وقتی که پیغمبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» را سر دست بلند کردند و فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»، مردم زیر بار رفتند. همگان اعم از زن و مرد، در مقابل پیغمبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» بیعت کردند. یک نفر آمد خدمت پیغمبر اکرم و گفت یا رسول الله! آنچه گفتم و انجام دادی، از جانب خودت است یا از خدا؟ اگر از خودت هست قبول ندارم و اگر از خداست، من نمی‌توانم ببینم از خدا بخواه آتش یا سنگی بیاید و مرا نابود کند. معلوم است که پیغمبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» خیلی ناراحت شدند. به او گفتند در میان ما نمی‌شود عذاب بشوی. تنها برو و وقتی از میان ما رفتی، چنین خواهد شد. در روایت می‌خوانیم که او رفت و صاعقه‌ای آمد و او را نابود کرد. [۶] آیه شریفه می‌فرماید: «وَإِذَا قَالُوا لِلَّهِمَّ تَنَاوَلْهَا هُوَ الْحَقِّمْ نَعْنِدْ كَفَّامُطْرَعَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ إِنَّا بِعَدَابِ اللَّهِ إِنَّمَا نَعْنِدْ»؛ یا رسول الله! بین اگر آدم صفت رذیله‌ای نظیر خودخواهی و عناد و لجاج و تکبر بر او حکمفرما باشد به کجا می‌رسد. حاضر است خود را بکشد و حاضر است به جهنم رود، اما زیر بار حق نرود.

درجانش عالی، عالی‌تر؛ حضرت آیت الله بهجت روایتی می‌گفتند که حضرت عیسی زمانی می‌خواست بین شیطان و خدا را آشتی دهد. از خدا تقاضا کرد که خدایا این شیطان عبادت زیاد کرده و این شیطان یک کار بد کرد و غلط کرده است و تو قبولش کن. خطاب شد قبولش می‌کنم به شرط اینکه بگوید اشتباه کردم. حضرت عیسی با دل پاکی که داشت، خیلی خوشحال شد و پیش شیطان آمد و به شیطان گفت بین تو و خدا را آشتی دادم. توبه کن و بگو خدایا اشتباه کردم. شیطان تشر زد به حضرت عیسی که تو چه کاره بودی. خدا باید از من عذرخواهی کند. اگر خدا از من عذرخواهی کند قبول می‌کنم و الا نه!!

نقل می‌کنند که پیغمبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» گاهی برای شفاعت به جهنم می‌روند که آدم پاک‌شده‌ای پیدا کنند که مورد شفاعت واقع شود. نسیمی در جهنم می‌آید و جهت‌میان می‌پرسند چه خبر است؟ می‌گویند پیغمبر اکرم وارد جهنم شده است. بعضی‌ها برای اینکه چشمشان به پیغمبر نیفتند، به سلولشان می‌روند و در سلول را می‌بندند که پیغمبر را نبینند. همیشه چنین بوده است. قرآن در پیش همه حق است، اما عنود و لجوج و خودخواه زیر بار نمی‌رود و الا قرآن و پیغمبر و اهل بیت، انسان را به حق و حقیقت می‌رسانند. اگر می‌بینید که شبهه دارند و زیر بار نمی‌روند برای یک مطلب است و آن اینست که اگر صفت رذیله‌ای بر دل انسان حکمفرما باشد، نمی‌تواند رستگار و عاقبت‌به‌خیر شود و آنگاه شیطان می‌شود با آن همه جنایت؛ یا می‌شود کفار با آن همه خیانت و بالاخره می‌شود کفار قریب با آن همه صدمات به پیغمبر اکرم.

این بحث اخلاق از نظر قرآن و روایات، بحث ارزنده‌ای است و همه باید توجه داشته باشیم که صفت رذیله داریم. نمی‌شود گفت که صفت رذیله نداریم، گاهی طوفانی می‌شود و انسان را بدبخت می‌کند و به جهنم می‌کشد و گاهی آتش زیر خاکستر است و ناگهان طوفانی می‌شود. در آن وقت اگر حسادت گل کند، زن حاضر است شوهر و شوهر حاضر است که زنش را بکشد. برادران و پسران پیغمبر حاضرند برادرشان را بکشند برای اینکه تشقی خاطر حسادت را پیدا کنند و بتوانند این بحران و شعله‌ور شدن حسادت را ارضا کنند. مابقی صفات رذیله نیز همین‌گونه است. بنابراین باید کار کنیم و در این ماه مبارک رمضان از خدا بخواهیم. تلاش از ماست، اما باید بدانیم که معلم اخلاق، خداست:

«وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُمْ مَا زَكَّيْنَاكُمْ مِنْ آخَرٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» [۷]

اگر خدا نباشد، رأفت و رحمت خدا نباشد، ما خود به خود نمی‌توانیم آدم شویم. دست عنایت خدا و راز و نیاز با خدا می‌خواهد. البته تلاش و کوشش از ما و رحمت از خداست و ماه مبارک رمضان ماه خودسازی است. از خدا بخواهیم که خدا معلم اخلاق ما باشد. ان شاء الله.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[۱]. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲.

[۲]. الجمعة، ۲: «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

[۳]. الانعام، ۵۹: «و هیچ‌تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است.»

[۴]. المائدة، ۸۳: «و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود.»

[۵]. الانفال، ۳۲: «و [یاد کن] هنگامی را که گفتند: خدایا، اگر این [کتاب] همان حقّ از جانب توست، پس بر ما از آسمان سنگ‌هایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما بیاور.»

[۶]. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۲؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۴۰.

[۷]. النور، ۲۱: «و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست.»

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیه الله مظاهری دامت برکاته

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir>